

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هموطنان گرامی: به این مضمونی که قبلاً نشر گردیده بود، توجه فرمائید.

میر عبدالرحیم عزیز
۱۱/۲۵/۲۰۰۸

یک جنگ قائم مقامی جدید قدرت های خارجی دوباره به جناح های درگیر اسلحه تحویل میدهند

حین تحقیق در مسایل مربوط به افغانستان، به مضمونی تحت عنوان بالا در اینترنت بر خوردم که ۱۲ سال قبل در شماره ماه فروری سال ۱۹۹۶ مجله فار ایسترن ایکنومیک ریویو (Far Eastern Economic Review) به نشر رسیده بود. عنوان مضمون متذکره در اینترنت واضح معلوم میشود، اما متن مضمون و یک عکس آن بکلی سیاه شده است که چاپ شده نمیتواند. شاید سازمان استخباراتی یک کشور دیدخل در قضیه افغانستان و یا عمل آنها که به کمپیوتر وارد بوده، به این عمل مبادرت ورزیده باشند تا هویت همان کشور و خیانت عمال شان افشا نگردد. بناً به کتابخانه پوهنتون جورج میسون واقع در ایالت ورجینیا مراجعه نموده و این سند خیانت را بدست آوردم. این یک سند مهم تاریخی است که پرده از خیانت، خیانت پیشه گان بر میدارد. عکس این مضمون متعلق است به کارکنان یک طیاره روسی که در میدان هوایی قندهار در دست طالبان افتاده بودند. با وجودیکه از نشر این مضمون ۱۲ سال میگذرد، آگاهی هموطنان ما از قضایای افغانستان در هر زمانیکه امکان پذیر باشد، حتمی است خصوصاً اینکه با وضع فعلی بسیار قرابت دارد. اگر احیاناً این مضمون قبلاً توسط یکی از هموطنان ما ترجمه شده باشد، ترجمه دوباره و پیشکش آن به هموطنان عیبی ندارد. لطفاً به این مضمون که مبین خیانت تاریخی گروه های فروخته شده است، توجه فرمائید:

طیاره بار بر دار الوشن ۷۶ روزانه در میدان هوایی بگرام بیرون از کابل به زمین می نشیند تا اسلحه روسی، مهمات، مواد سوخت و پول در اختیار نظام تحت محاصره بگذارد. ۵۰۰ کیلومتر دورتر یعنی در قندهار، قوای اسلامی رقیب با کمک پاکستان و کشور های عرب خود را تقویه میکند. گزارش ها حاکی است که راکت های ستینگر ساخت امریکا برای سرنگونی طیارات، در دست ایرانی ها افتاده است.

یک بازنگری بسوی روز های اخیر حکومت کمونیستی نجیب الله؟ به مشکل باید گفت. این سال ۱۹۹۶ است و میدان هوایی بگرام توسط احمد شاه مسعود یکی از قومندانان مجاهدین که چهار سال قبل نجیب الله را سرنگون ساخت، نظارت میشود. لکن این حالت مشابه به گذشته خونین بزودی در حال گذرا نیست: قدرت های خارجی با انتقام، دوباره به افغانستان برگشته اند تا به مقدار عظیم اسلحه که بعد از پیروزی مجاهدین دیده نشده، تحویل دست نشانندگان خود نمایند.

آنها دوباره برمیگردند زیرا جنگ برای تسخیر کابل در مرحله حساس خود است که نتایج آن در ماورای افغانستان انعکاس خواهد کرد. اینبار سوال کمونیزم نیست، بلکه سوال اسلام است: کشور های همسایه معتقد اند که نتیجه جنگ

قدرت میان جناح های افغانی با تمام پیامد های سیاسی آن باعث بسط و توسعه تندروی اسلامی در آسیای مرکزی، جنوب آسیا و شرق میانه خواهد شد.

یکی از دیپلومات های غربی در اسلام اظهار میدارد که "جنگ و ستیز میان گروه های افغانی، بین المللی شده که در گذشته سابقه نداشته است. نگرانی با داخل شدن ایران و روسیه افزایش یافته است." ایران، روسیه، هند و تاجکستان حکومت برهان الدین ربانی را بخاطر ترس از طالبان حمایت میکنند. طالبان یک گروه تندرو میلیشیایی اسلامی است که ساحات جنوبی و غربی افغانستان را بتصرف درآورده و از ماه اکتوبر بدینسو کابل را در محاصره قرار داده اند. ایران که بوسیله ملا های شیعه رهبری میشود به طالبان ضد شیعه که اکثر آنها مسلمان سنی و پشتون بوده، بد گمان است. پشتون ها کلاترین قوم را در افغانستان تشکیل میدهند. سائر حامیان حکومت مسلط تاجک ربانی، بسادگی میخواهند که از توسعه تندروی اسلامی جلوگیری نمایند.

یک دیپلومات که با طرز تفکر مسکو آشنائی دارد، اظهار می نماید که "تمام مجاهدین تندروان اسلامی اند، لاکن طالبان افراد بی بند و بار میباشند. اگر موفق شوند، آنها تمایل به این دارند که جنبش خود را بسوی آسیای مرکزی گسترش دهند."

پاکستان، ازبکستان و بعضی کشور های عربی در خلیج، نظر به دلایلی جانب طالبان را گرفته اند. پاکستان نفوس زیاد پشتون ها را در خود داشته و میزبان کمپ های پناه گزینان افغانی است که از آن تحریک طالبان متولد شده است. ازبکستان با جنگ سالار دوستم که متحد طالبان است، روابط دارد. عربستان سعودی و بعضی کشور های دیگر سنی مذهب عرب نسبت توسعه تندروی شیعه اسلامی بشیوه ایرانی در کشور های خود، ایران را تحت فشار قرار میدهند. یکی دیپلمات عالیرتبه غربی متذکر شد که "بار اول از سال ۱۹۹۲ بدینسو یک منبع درآمد نا مشروع آغاز شده است که هیچ جنگ سالار تاب مقاومت آنرا ندارد."

دیپلمات ها تذکار میدهند که ۱۰ میخانیگ روسی و ۳۰ میخانیگ هندی امکانات میدان هوایی بگرام را که قرارگاه مسعود است، بهبود می بخشند. چهار طیاره بار بردار الوشن ۷۶ روسی هر روز از تاجکستان، روسیه یا اوکراین به میدان بگرام مواصلت نموده و با خود اسلحه روسی، مهمات، تیل، و پول افغانی چاپ شده در مسکو را میاورند.

روس ها همچنان یک سرک جدیدی را از طریق شمال و شرقی افغانستان ساخته و یک پل را بالای دریای آمو متصل به سرحد تاجکستان اعمار نموده اند. این تسهیلات اجازه میدهد که کاروان اسلحه روسی از ساحات تحت اداره احمد شاه مسعود گذشته و بکابل برسد بدون اینکه از مزارشریف که در دست رقیب احمد شاه مسعود یعنی دوستم است، طی طریق نماید. اعمار جاسوسی امریکا نشان میدهد که روس ها یک میدان هوایی در تالقان اعمار می کنند. این میدان در حال بسط و توسعه است تا در صورت شکست احمد شاه مسعود در کابل، منحیث یک پایگاه عقبی ستراتیژیک برای وی قابل استفاده باشد.

یک دیپلمات اروپائی اظهار میکند که "روس ها به یک پیمانۀ وسیعی دوباره برگشته و از زمان ترک افغانستان در سال ۱۹۸۹، حالا برای بار اول اتصال زمینی خود را بسوی افغانستان دارند." گلبدین حکمتیار یک رهبر مقتدر پشتون که مخالف طالبان است، میگوید، "روس ها برای گرفتن انتقام مداخله می نمایند."

هند شرکت سابق هوایی آریانا را که حالا در دهلی جدید دفتر مرکزی دارد، دوباره آماده میسازد. طبق گزارش منابع اطلاعاتی غرب، یکی از اهداف اصلی این است که احمد شاه مسعود را در تهیه طیارات قابل اطمینان برای حمل اسلحه کمک نماید. هند همچنان پرزه جات طیاره، رادار های زمینی، بمب، پول و دو طیاره میگ ۲۱ به احمد شاه مسعود تحویل داده است.

ایران یک پل هوایی عظیمی را از مشهد در شرق ایران بسوی بگرام براه انداخته که روزانه تسلیحات لازم را پرواز میدهد. به اساس منابع اطلاعاتی، سال گذشته، در یک روز یعنی ۲۲ نوامبر سال ۱۹۹۵، ۱۳ پرواز طیارات ایرانی در بگرام نشست. مسعود یک قوای جدید چند هزار نفری تاجک را در بگرام آموزش میدهد. ایران همچنان پنج کمپ آموزشی در شرق ایران برای تربیه هشت هزار تن جنگجویان تحت رهبری اسماعیل خان سابق والی هرات که حالا در مشهد زندگی میکند، بر پا کرده است. دیپلمات ها اظهار میدارند که قومندان قوای نخبه پاسداران انقلاب، جنرال محسن رضانی، آمریت مرکزی خود را به مشهد انتقال داده تا اسماعیل خان را در تسخیر دوباره هرات کمک نماید. ایران به چاپ پول افغانی نیز اقدام نموده تا اسماعیل خان را در بدست آوردن قدرت یاری دهد.

كمك ايران يك طرفه نيست. مختصين اطلاعاتي آسياني ميگويند كه متحدين شيعه نظام رباني، پنج راکت ستينگر را به قيمت يك ميليون دالر سال گذشته (۱۹۹۵) به ايران فروختند. ديپلمات هاي امريكايي از تبصره بر اين موضوع خود داري ميورزند. امريكا ۹۰۰ راکت كشنده ستينگر را در جريان جنگ عليه قواي سرخ شوروي در اختيار مجاهدين قرار داده بود. سعي بعدي استخبارات امريكا در باز خريد اين راکت ها عموماً نا موفق بوده است.

دفتر مركزي طالبان در قندهار بدون دوست نيست. پاكستان شبكه جديد مخابراتي را براي طالبان تهيه نموده، ميدان هوائي قندهار را دوباره آماده ساخته و پرزه جات طياره و تسليحات را براي ۳۰ طياره و هيلوپتر كه طالبان تسخير کرده بودند، در اختيار آنها قرار داده است. بحران اقتصادي پاكستان توانايي كمك اش را به طالبان محدود ساخته است. ازينرو اسلام آباد و طالبان كشور هاي عرب را در مجادله عليه ايران تشويق ميكنند.

مامورين كمك رساني غرب در قندهار ميگويند كه فرستاده ها از بحرين، قطر و عربستان سعودي پول در اختيار طالبان ميگذارند. بعد ازينكه شهزادگان امارات متحده عرب غرض شكار براي يك مدت طولاني سفر کرده بودند، ۱۰۰ جيب متسوبيشي را براي جنگجويان طالب گذاشتند.

تمام روس ها حامی حكومت كابل نيستند. كمپني هاي هوائي شخصي روسي در شارجه، يكي از ساحات مربوطه به امارات متحده عرب، دفتر باز نموده اند. آنها اسلحه و مهمات را از بلغاريه و البانيه پرواز داده و در مقابل پول نقد، به جنگ سالاران در هر دو جا، كابل و قندهار تسليم ميدهند. يكي از مامورين اطلاعاتي غرب متذكر شد كه "اين كاركنان طيارات روسي مايل اند كه هر جا بروند." اين يك بازي خطرناك است: هفت عملة روسي كه طياره شان ذريعه طالبان در ماه آگست مجبور به فرود آمدن شد، ميخواستند كه اسلحه را بكابل بفرستند. عملة طياره روسي هنوز هم (در آن وقت) در قندهار زنداني ميباشند.

همه جوانب خود را براي جنگ شديد بعد از آب شدن برف زمستان آماده مي سازند. يكي از ديپلمات هاي آسياني خاطر نشان ميسازد، "نتيجه اين است كه نه پشتون ها ميتوانند كابل و سرزمين تاجكان در شمال را تسخير نمايند، و نه تاجكان قادر به گرفتن ساحات پشتون نشين در شرق و جنوب اند. لاکن اين حالت هيچ كس را مانع نخواهد شد كه در بهار يكبار ديگر دست به اقدام نزنند."